Archive of SID

Vol.18, No. 36, autumn & winter 2021-2022,
Biquarterly
ISSN: 1735-3300
Jostarha@rihu.ac.ir

Incorporating the Two Functions of Portfolio Management and Payment Services in the Banking System and Presenting a Favorable Model from the Islamic Banking Perspective

*Mohammad Jamour** (PhD Student in Monetary Economics, Faculty of Management and Economics, Sharif University of Technology, mohammad.jamour@gsme.sharif.edu)

Kamran Nadri (Associate Professor, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadegh University, k.nadri@gmail.com)

Ahmad Shabani (Associate Professor, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadegh University, ashksadeq@yahoo.com)

ARTICLE INFO

Article History

Received: 2021/2/22

Accepted: 2022/6/21

Key Words:

Portfolio Management,
Payment Services Provision,
Fractional Reserve System,
100% Reserve System,
Islamic Banking,

ABSTRACT

In the current fractional reserve banking system, the two functions of portfolio management and payment services are incorporated simultaneously. The portfolio management refers to the bank's function in absorbing and allocating funds. The function of payment services also refers to the use of bank debt in settlement of transactions, which is required for the existence of money-creation power by banks. The current banking system has created problems such as instability, banking crises, discrimination in income distribution, undermining democracy and sustainable development, and so on. The problem of this research is to identify the optimal alternative model from the perspective of Islamic economy. The method of answering is through review, description and analysis of the material and drawing conclusions in that field. The results of this study show that in Islamic banking, the two functions of portfolio management and payment services have to be separated. Lastly, the advantages of this proposed system, in addition to solving the problems of the current fractional reserve system, are the cases of greater compatibility of this banking system with the macro goals of the Islamic economic system and the nature of Islamic banking, and removing the suspicion of usury.

www.SID.ir

Archive of SID

دوفصلنامهٔ علمی جستارهای اقتصادی ایران
پاییز و زمستان ۱۴۰۰، سال ۱۸، شماره ۳۶ (صفحات ۱۷۱ - ۱۸۹)
ISSN: 1735-3300
مقاله علمی - پژوهشی
Jostarha@rihu.ac.ir

تلفیق دو کارکرد مدیریت سبد دارایی و ارائه خدمات پرداخت در نظام بانکی و ارائه الگوی مطلوب از منظر بانکداری اسلامی[1]

محمد جمور (نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری اقتصاد پولی دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف؛ (mohammad.jamour@gsme.sharif.edu)

کامران ندری (دانشیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق؛ (k.nadri@gmail.com)

احمد شعبانی (دانشیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق؛ (ashksadeq@yahoo.com)

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۳۱

واژگان کلیدی:
مدیریت سبد دارایی،
ارائه خدمات پرداخت،
نظام پولی ذخیره جزئی،
نظام پولی ذخیره صددرصد،
بانکداری اسلامی

چکیده

در نظام بانکی فعلی مبتنی بر ذخیره جزئی (fractional reserve)، دو کارکرد مدیریت سبد دارایی (portfolio management) و ارائه خدمات پرداخت (payment services)، به‌طور همزمان در حال ارائه است. مدیریت سبد دارایی به کارکرد بانک در تجهیز و تخصیص منابع اشاره دارد. کارکرد خدمات پرداخت نیز، به استفاده از بدهی بانک‌ها در تسویه معاملات اشاره دارد که لازمه وجود قدرت خلق پول برای بانک‌هاست. نظام بانکی فعلی، مشکلاتی از قبیل بی‌ثباتی، بحران‌های بانکی، اخلال در توزیع درآمد، تضعیف دموکراسی و توسعه پایدار و... را ایجاد نموده که موجب ارائه پیشنهادات جایگزین از سوی اقتصاددانان شده است. مسئله این پژوهش، شناسایی الگوی مطلوب جایگزین از منظر اقتصاد اسلامی است. روش پاسخگویی نیز از طریق بررسی، توصیف و تحلیل مطالب و نتیجه‌گیری در آن زمینه است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد در بانکداری اسلامی، دو کارکرد مدیریت سبد دارایی و ارائه خدمات پرداخت باید از هم تفکیک شوند. کارکرد ارائه خدمات پرداخت به بانک مرکزی واگذار می‌شود. کارکرد مدیریت سبد دارایی نیز به دو صورت تأمین مالی مبتنی بر سهام و تأمین مالی از طریق جذب سپرده با شرط عدم پرداخت عندالمطالبه انجام می‌گیرد. نهایتاً مزایای این نظام پیشنهاد شده علاوه بر رفع مشکلات نظام فعلی ذخیره جزئی موارد تطابق بیشتر این نظام بانکی با اهداف کلان نظام اقتصادی اسلام و ماهیت بانکداری اسلامی و رفع شبهه ربا می‌باشد.

طبقه‌بندی JEL: E32, E42, G11, G21, G33, G01

۱. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با راهنمایی آقای دکتر کامران ندری و مشاوره آقای دکتر احمد شعبانی می‌باشد.

www.SID.ir

Archive of SID

مقدمه

در نظام بانکی فعلی، دو کارکرد مدیریت سبد دارایی (portfolio management) و ارائه خدمات پرداخت (payment services)، به‌طور همزمان در حال ارائه است. کارکرد مدیریت سبد دارایی به عملیات بانکداری در قالب جذب سپرده، اعطای تسهیلات، مدیریت ریسک و بازدهی تسهیلات و در واقع کلیه فعالیت‌های بانک در این زمینه اشاره دارد. در مقابل کارکرد ارائه خدمات پرداخت بیان می‌کند در طول زمان بدهی بانک‌ها (سپرده‌های افراد) نقش پول را بازی کرده و در تسویه معاملات مردم، وظیفه واسطه مبادله (medium of exchange) را به انجام می‌رساند. این پول شدن بدهی بانک و استفاده از آن در تسویه معاملات موجب شده است که امکان و قدرت خلق پول برای بانک‌ها فراهم شود. لذا کلیه مباحث مربوط به خلق پول، نحوه و مکانیسم آن، رویکردهای مختلف و... مربوط به این کارکرد بانک است.

از منظر اقتصاددانان تلفیق دو کارکرد بیان شده در نظام بانکی موجب به وجود آمدن مشکلاتی از قبیل بی‌ثباتی اقتصادی، بحران‌های بانکی، اخلال در توزیع درآمد و بی‌عدالتی، از بین بردن توسعه پایدار، تضعیف دموکراسی، مخالفت و مغایرت با ضوابط و قواعد فقه و شرع، تضعیف عدالت و... می‌شود. لذا در اقتصاد متعارف، نظام‌های جایگزین برای نظام پولی فعلی مطرح شده‌اند. مهم‌ترین نظام جایگزین مطرح شده نیز، نظام ذخیره صددرصدی می‌باشد. این پژوهش سعی دارد ضمن تبیین و تفسیر دو کارکرد بیان شده و مشکلات ایجاد شده به دلیل تلفیق آنها در نظام بانکی فعلی، از بین الگوهای جایگزین برای نظام بانکی فعلی، نظام مطلوب بانکداری اسلامی را شناسایی نماید. روش پاسخگویی به مسئله فوق نیز از طریق توصیف و تحلیل مطالب بیان شده و نهایتاً نقد و بررسی آنهاست.

در این پژوهش پس از ذکر پیشینه، کارکردهای دوگانه مدیریت سبد دارایی و ارائه خدمات پرداخت توضیح داده می‌شوند. سپس نظام پولی تلفیق شده و دلالت‌های عمومی و ناظر به اقتصاد اسلامی آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. پس از بیان مختصری از الگوهای جایگزین برای نظام بانکی فعلی، نظام مطلوب از منظر بانکداری اسلامی با توجه به مشکلات و معایب نظام بانکی فعلی تلفیق‌شده، بیان و مزایای آن ذکر می‌گردد.

پیشینه تحقیق

در ادبیات تحقیق، اقتصاددانان مختلفی به این موضوع پرداخته و جوانب آن را بررسی کرده‌اند. گودهارت (۱۹۸۹) در کتابی با عنوان پول، اطلاعات و نااطمینانی به مسئله تلفیق دو کارکرد مدیریت سبد دارایی و ارائه خدمات پرداخت توجه نموده و از آن تعبیر به کارکردهای دوقلو (twin functions) نظام بانکی می‌کند.

توبین (۱۹۸۵) در مقاله‌ای با عنوان «نوآوری‌های مالی و مقررات زدایی در تئوری» به بحث مقررات زدایی (deregulation) پرداخته و به این نتیجه رسیده است که به منظور از بین بردن مشکلات مقررات زدایی و یا دخالت دولت که به یک معما تبدیل شده است، می‌بایستی دو کارکرد ارائه خدمات پرداخت و مدیریت سبد دارایی در نظام بانکی از هم تفکیک شوند.

فریدمن (۱۹۹۲) در پژوهشی با عنوان «برنامه‌ای برای ثبات پولی» به مسئله تشدید نوسانات اقتصادی توسط نظام بانکی مبتنی بر ذخیره جزئی (fractional reserves) که در آن دو کارکرد مدیریت سبد دارایی و ارائه خدمات پرداخت تلفیق شده‌اند، پرداخته و به این نتیجه رسیده است که به منظور جلوگیری از نوسانات اقتصادی و تشدید آنها باید به دنبال نظام بانکداری ذخیره ۱۰۰% (one hundred percent reserve banking) باشیم.

فیشر (۱۹۳۶) در بخشی از پژوهشی با عنوان «پول و بدهی دولت» به نظام بانکی ذخیره ۱۰۰% پرداخته و مزایای آن را برمی‌شمارد. مزایای بیان شده عبارتند از: ۱. از بین رفتن تمام قوانین پیچیده بانکی؛ ۲. اختصاص خلق پول به دولت؛ ۳. عدم نیاز به بیمه سپرده‌ها و... .

جکسون و دی سون (۲۰۱۲) در مطالعه‌ای تحت عنوان «مدرن‌سازی پول، چرا نظام پولی ما خراب شده و چگونه می‌توان آن را تعمیر کرد؟» در بخش مربوط به نظام پولی فعلی (current monetary system) به بررسی، تبیین و تشریح سیستم پولی کنونی، دلالت‌ها و نتایج آن پرداخته و در بخش نظام پولی جایگزین (reformed monetary system) الگوی جایگزین نظام پولی فعلی که فاقد مشکلات نظام کنونی باشد را معرفی کرده و دلالت‌های آن را تبیین می‌کند.

www.SID.ir

Archive of SID

کرینر (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای تحت عنوان «پایداری اقتصادی تحت نظام‌های بانکی جایگزین، نظریه و سیاست» به بررسی تطبیقی دو مدل بانکداری ذخیره جزئی و بانکداری ذخیره صددرصد پرداخته و به این نتیجه رسیده است که بانکداری ذخیره جزئی به دلیل تعمیق کردن چرخه‌های تجاری، بهینه پارتو نیست و باید تغییر پیدا کند. وی پس از بیان دلالت‌های مختلف این دو نظام، راه حل تغییر (transition) از نظام پولی فعلی به نظام ذخیره صددرصد را بیان می‌کند.

سایر پژوهشگران از قبیل دمولمستر (۲۰۱۸)، لینا (2015 a & b)، خان (۱۹۸۶) و دیگران بدین موضوع پرداخته‌اند که در بخش‌های بعدی این پژوهش بررسی می‌شوند. در ادامه مختصری از مطالعات بانکداری اسلامی که مرتبط با موضوع مورد بحث است، ارائه می‌شوند.

در مطالعات بانکداری اسلامی هرکدام از کارکردهای ارائه خدمات پرداخت و مدیریت سبد دارایی به‌طور جداگانه مورد مطالعه قرار گرفته‌اند و در مطالعه‌ای به تلفیق این دو کارکرد و دلالت‌های آن اشاره‌ای نشده است.

در حوزه کارکرد ارائه خدمات پرداخت مطالعات زیر انجام شده است. حسینی دولت‌آبادی (۱۳۹۴) در رساله خود تحت عنوان «ترتیبات خلق پول از منظر اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی با تأکید بر نرخ ذخیره قانونی» به بحث خلق پول پرداخته و با توجه به ساز و کار خلق پول فعلی و همچنین معرفی‌های الگوهای جایگزین، الگوی مطلوب خلق پول را از منظر اقتصاد اسلامی با توجه به در نظر گرفتن مؤلفه‌های کلان اقتصادی ارائه می‌کند. وی در این پژوهش بحثی در مورد کارکرد مدیریت سبد دارایی بانک‌ها نکرده است.

صمصامی و کیانپور (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی امکان خلق پول توسط نظام بانکی در نظام مالی اسلامی» به مسئله خلق پول و دلالت‌های اقتصادی و فقهی آن از دو منظر ضوابط شرعی و اهداف کلان نظام مالی اسلامی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که خلق پول به دلایل متعدد در نظام مالی اسلامی جایز نیست.

سبحانی و درودیان (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان «ارزیابی توجیه‌پذیری خلق پول به وسیله سیستم بانکی در نظام بانکداری اسلامی» به مسئله امکان‌پذیری خلق پول در نظام بانکداری اسلامی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که تحت ضوابط و شرایط محدودکننده، امکان خلق پول در نظام بانکداری اسلامی وجود دارد.

در مورد کارکرد مدیریت سبد دارایی می‌توان بیان کرد که رویکرد غالب و رایج در مطالعات بانکداری اسلامی رویکرد مدیریت سبد دارایی است که در کتاب‌ها و مقالات فراوان به‌عنوان پیش‌فرض، در نظر گرفته شده است (برای مثال بانکداری اسلامی ج.۱ و ج.۲، موسویان و میثمی).

پژوهشگران دیگری از قبیل باستانی‌فر و دیگران (۱۳۹۵)، موسویان و الهی (۱۳۸۹)، ایزدخواستی (۱۳۹۶)، کمیجانی و دیگران (۱۳۹۷)، مجاهدی‌موخر و دیگران (۱۳۹۰) به ترتیب به موضوعات الگوی خلق اعتبار از منظر شهید صدر، بازار بین بانکی اسلامی، تأثیر خلق اعتبار بر متغیرهای کلان اقتصادی، ماهیت بانک و فرآیند خلق پول بانکی، الگوی بانکداری ذخیره جزئی پرداخته‌اند که در ادامه به آنها پرداخته خواهد شد.

نوآوری این تحقیق با توجه به مطالعات انجام شده در بخش‌های زیر خلاصه می‌شود: ۱. توجه همزمان به دو کارکرد تلفیق شده مدیریت سبد دارایی و ارائه خدمات پرداخت و دلالت‌های هرکدام از آنها در نظام بانکی. این عدم توجه همزمانی در مطالعات گذشته باعث شده است که عده‌ای ماهیت بانک را مدیریت سبد دارایی دانسته و از کارکرد ارائه خدمات پرداخت غافل شوند. شاهد این مدعا مطالعات بسیار فراوان در حوزه بانکداری متعارف و بانکداری اسلامی است که کلاً ورودی به بحث خلق پول نداشته و یا اینکه مسئله خلق پول را به نحو نادرستی (رویکرد ضریب فزاینده) در نظر گرفته‌اند. در مقابل در مطالعات اخیر مطرح شده در حوزه خلق پول، کارکرد مدیریت سبد دارایی به فراموشی سپرده شده و از افرادی که در بانکداری اسلامی در مورد این کارکرد بحث می‌کنند، تعبیر به عدم درک ماهیت بانک شده است. این دسته از مطالعات نیز ماهیت بانک را خلق پول دانسته و پژوهشگران دسته اول را تخطئه می‌کنند، در حالی که ماهیت بانک هر دو کارکرد را شامل می‌شود. در این پژوهش این دو کارکرد با هم مورد تحلیل قرار گرفته است. در این پژوهش نشان داده شده است که بر خلاف هر دو دسته از

www.SID.ir

Archive of SID

مطالعات فوق، ماهیت بانکداری فعلی تلفیق همزمان دو کارکرد مدیریت سبد دارایی و ارائه خدمات پرداخت است که توجه به هرکدام به صورت مجزا و عدم توجه به دیگری درست نیست؛ ۲. نقد و بررسی الگوهای ذخیره صددرصدی در بیان اقتصاددانان، تفاوت‌های آنها و بیان اشکالات وارده به آنها؛ ۳. ارائه الگوی مطلوب بانکداری اسلامی که بنا بر ادعای نویسندگان بر تفکیک دو کارکرد مدیریت سبد دارایی و ارائه خدمات پرداخت استوار بوده و از این طریق فاقد مشکلات بیان شده برای نظام بانکی فعلی است. همچنین بیان می‌شود که این نظام بانکی سازگاری بیشتری با اهداف کلان نظام اقتصادی اسلام از قبیل عدالت و ثبات اقتصادی خواهد داشت.

کارکردهای مدیریت سبد دارایی و ارائه خدمات پرداخت در نظام بانکی

کارکرد مدیریت سبد دارایی، به عملکرد بانک در مورد جذب سپرده‌ها از مشتریان و تخصیص آنها به تسهیلات گیرندگان اشاره دارد. در این قسمت بانک سعی در عملکرد بهینه از طریق مدیریت ریسک در دو طرف سپرده‌گذاران و تسهیلات گیرندگان دارد (دایره‌المعارف بانکداری، ۲۰۱۲، ص۹۰). بیشتر مطالعات انجام شده در حوزه بانکداری اسلامی به این کارکرد بانک توجه داشته و الگوهای جایگزین مبتنی بر حذف ربا را برای آن پیشنهاد داده‌اند (دایره‌المعارف بانکداری اسلامی، ۲۰۰۹). مطالعات سبد دارایی در نظام بانکی اسلامی خود به دو دسته کلی تقسیم می شوند. دسته اول از این مطالعات سعی در نشان دادن متفاوت بودن ماهیت بانکداری اسلامی از بانکداری ربوی از طریق ارائه مدل مشارکت در سود و زیان (profit and loss sharing) هستند. این دسته از مطالعات، از طریق ارائه عقود مشارکتی مبتنی بر سود و زیان، بانکداری اسلامی را قابل تحقق دانسته و حتی از کارایی آن نسبت به نظام بانکداری متعارف سخن به میان می‌آورند (خان، ۱۹۸۶). در این خصوص در کتاب پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری توتونچیان، گفته شده است که «ترویج بانکداری اسلامی گسترش بازار سرمایه به معنای واقعی است نه بازار پولی» (توتونچیان، ۱۳۷۹، ص۵۰۳).

دسته دوم از مطالعات مدیریت سبد دارایی در حوزه بانکداری اسلامی، اهداف نظام بانکی متعارف مبتنی بر ایجاد ثبات و رشد اقتصادی را پذیرفته و سعی می‌کند در سمت تجهیز و تخصیص منابع مالی، عقود اسلامی از قبیل وکالت، قرض الحسنه، مرابحه، مضاربه، مشارکت و... را جایگزین قرض ربوی نماید. چراکه به نظر ایشان هدف نظام بانکی مبتنی بر رشد و ثبات اقتصادی صحیح است اما وسیله ربوی را باید تغییر داده و اسلامی کرد (به‌طور مثال موسویان و میثمی، ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶). این دیدگاه به دنبال تغییر ماهیت بانکداری و ارائه الگوی مبتنی بر مشارکت در سود و زیان نیست بلکه عملکرد بانکداری فعلی را قبول داشته و صرفاً در صدد رفع شبهه ربوی بودن از آن می‌باشد. می‌توان بیان نمود که حتی این دسته دوم مطالعات از مطالعات دسته اول درحوزه بانکداری اسلامی نیز بسیار گسترده‌تر و فراگیرتر می باشد.

کارکرد دوم نظام بانکی مربوط به ارائه خدمات پرداخت (payment services) است. در این کارکرد بانک وظیفه دریافت و پرداخت را در معاملات روزمره مردم بر عهده می‌گیرد. چراکه هر معامله‌ای که انجام می‌شود برای پرداخت و دریافت پول آن، باید وسیله‌ای وجود داشته باشد که در نظام پولی فعلی، قسمت اعظم این کار از طریق سپرده‌های افراد نزد بانک‌های تجاری که بدهی بانک‌ها محسوب می‌شود، انجام می‌گیرد. قسمت اندکی از تسویه معاملات نیز با استفاده از اسکناس و مسکوک که بدهی بانک مرکزی و حاکمیت است، انجام می‌شود. در این کارکرد بدهی بانک (IOU) و یا هر مؤسسه دیگری که خدمات پرداخت و تسویه معاملات را انجام می‌دهد، نقش پول را بازی کرده و کارکرد مهم پول در مورد وسیله تسهیل مبادله (medium of exchange) را بر عهده می‌گیرد.

می‌توان دریافت که یکی از دلالت‌های پول شدن بدهی یک مؤسسه این است که برای آن مؤسسه امکان خلق پول فراهم می‌شود و می‌توان این پول بودن و استفاده از بدهی آن مؤسسه برای تسویه پرداخت‌ها را شرط لازم برای خلق پول دانست. فیشر ((۱۹۳۶، ص۲۳و۱۶۵) و کاریو (۱۹۳۴، ص۱۹۹) به نقل از دمولمستر ۲۰۱۸) هنگام ارائه پیشنهاد خود در مورد بانکداری ذخیره صددرصدی به این موضوع اشاره نموده‌اند. تمامی بحث‌های خلق پول در نظام بانکی، با توجه به نکته گفته شده، مبتنی بر این واقعیت است که بدهی بانک‌ها نقش پول را در

www.SID.ir

Archive of SID

اقتصاد بازی می‌کند. لذا به منظور جلوگیری از خلق پول توسط بانک‌ها در نظام بانکی باید جلوی این کارکرد را گرفت که در مطالعات انجام شده کمتر به آن توجه شده است (دمولمستر، ۲۰۱۸).

بحث کارکرد ارائه خدمات پرداخت که امکان خلق پول را فراهم می‌کند در مطالعات بانکداری اسلامی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در مورد دلیل عدم توجه به کارکرد خدمات پرداخت و خلق پول در بانکداری اسلامی، گفته شده است «حرمت شدید ربا در اسلام و ابتنای بانکداری متعارف بر آن باعث شد که طراحی قراردادهای بانکی منطبق بر عقود شرعی و طراحی یک نظام تأمین مالی که در آن ربا نباشد، در کانون توجه اندیشمندان و اقتصاددانان مسلمان قرار گیرد. بر این اساس به کارکرد مهم دیگر بانک، یعنی خلق پول بانک‌ها و جایگاه بانک‌های متعارف در عرضه پول توجه کافی نشد. این جریان باعث شد که مطالعات اسلامی در حوزه خلق پول بانک‌ها بسیار محدود باشد» (حسینی دولت آبادی، ۱۳۹۴، ص۱۰۱).

نظام پولی فعلی مبتنی بر تلفیق دو کارکرد مدیریت سبد دارایی و ارائه خدمات پرداخت

دو کارکرد مجزای مدیریت سبد دارایی و ارائه خدمات پرداخت به‌طور همزمان در نظام بانکی فعلی ذخیره جزئی در حال انجام است (گودهارت، ۱۹۸۹، ص۱۸۱) و (دمولمستر، ۲۰۱۸). لذا در این بخش به‌طور مختصر، نظام پولی فعلی مبتنی بر ذخیره جزئی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در شرایط فعلی سه نوع پول سکه-اسکناس، ذخایر بانک مرکزی و پول سپرده‌ای در اقتصاد وجود دارد. اسکناس و مسکوک و ذخایر بانک‌ها نزد بانک مرکزی، توسط بانک مرکزی خلق می‌شود و سپرده‌های بانکی توسط بانک‌های تجاری (مکلی و دیگران، ۲۰۱۴). سه نوع پول گفته شده از طریق عملیات ترازنامه‌ای در نظام پولی یک کشور ایجاد یا خلق می‌شوند. لذا در اقتصادهای مدرن دو نهاد بانک‌های مرکزی و بانک‌های تجاری، امکان خلق و ایجاد پول در اقتصاد را دارند که البته مکانیسم‌های آن کاملاً متفاوت می‌باشد (دولت آبادی، ۱۳۹۴، ص۴۳).

بانک مرکزی از طریق عملیات بازار باز و خرید و فروش اوراق بهادار اقدام به افزایش و کاهش حجم پایه پولی (base money, high powered money) می‌نماید. به‌طور مثال هنگام خرید اوراق توسط بانک مرکزی (سیاست پولی انبساطی) سمت دارایی ترازنامه بانک مرکزی به اندازه اوراق خریداری شده و سمت بدهی‌اش به همان اندازه تحت عنوان حساب ذخائر نزد بانک مرکزی افزایش می‌یابد. ترازنامه بانک تجاری نیز به همین اندازه منبسط می‌شود. در سمت دارایی ترازنامه بانک تجاری، ذخیره نزد بانک مرکزی افزایش یافته و در سمت بدهی استقراض از بانک مرکزی افزایش می‌یابد.

در مورد نحوه خلق پول بانک‌های تجاری نیز اختلافاتی وجود دارد. در کتب درسی نحوه خلق پول بانک‌های تجاری از طریق ضریب فزاینده (money multiplier) توضیح داده می‌شود (به‌طور مثال میشکین، ۲۰۱۶). اما اقتصاددانان مختلفی از قبیل گودهارت (۱۹۸۹)، ورنر (۲۰۱۴)، مکلی و دیگران (۲۰۱۴)، جک سون و دیسون (۲۰۱۲) و مور (۱۹۸۳) به این دیدگاه رایج در کتب درسی انتقاد وارد نموده‌اند. اختلاف دو دیدگاه این است که در دیدگاه مرسوم و رایج ضریب فزاینده گفته می‌شود که بانک مرکزی ابتدا پایه پولی را خلق کرده و سپس بانک‌های تجاری از طریق وام دهی آن پول پرقدرت بانک مرکزی را چند برابر می‌کنند و به این چند برابر کردن، ضریب فزاینده پولی اطلاق می‌شود.

اما در دیدگاه منتقدان، در فرآیند خلق پول، علیت به صورت معکوس وجود دارد. یعنی ابتدا خلق پول توسط بانک‌های تجاری انجام می‌گیرد و سپس بانک‌های تجاری به دنبال تأمین ذخایر (reserves) مورد نیاز خود که همان پول پر قدرت است، می‌روند (دولت‌آبادی، ۱۳۹۴، ص۵۱). در واقع در این رویکرد جدید آن چیزی که میزان حجم خلق پول را در اقتصاد تعیین می‌کند تصمیم‌گیری بانک‌های تجاری برای خلق پول است که این تصمیم را هم براساس سودآوری این عمل اتخاذ می‌نمایند (دالزیل، ۲۰۰۶، ص۳۲). این رویکرد جدید با توجه به توضیحات بیان شده تحت عنوان رویکرد علیت معکوس در این پژوهش بیان می‌شود.

برای جمع‌بندی این بخش می‌توان گفت که بانک‌های تجاری به سبب اینکه بدهی‌شان نقش پول را در اقتصاد بازی می‌کند، امکان خلق پول برای آنها فراهم شده است. بانک‌ها در عین حال

www.SID.ir

Archive of SID

که این امکان برای آنها فراهم شده است، از کارکرد مدیریت سبد دارایی خود غافل نشده و لذا پول را از طریق اعطای تسهیلات خلق می‌کنند. در واقع بر خلاف مطالعات ورنر (۲۰۱۴)، مک‌لی و دیگران (۲۰۱۴) که ماهیت واسطه‌گری مالی بودن بانک‌های تجاری را براساس رویکرد جدید خلق پول رد می‌کنند، می‌توان گفت که بانک‌ها هنوز واسطه‌گر مالی هستند. چراکه این امکان برای بانک‌ها فراهم بود که هنگام خلق پول سپرده‌ای، آن را برای خود استفاده نموده یا اینکه تماماً با آن پول خلق شده دارایی خریداری می‌کردند. بانک‌ها در حالی که به خرید دارایی نیز تا حدودی می‌پردازند اما تسهیلات دهی را هم کماکان با قدرت ادامه می‌دهند. واسطه‌گری مالی بدین معنا نیست که خلق پول و تسهیلات‌دهی متأخر از جذب سپرده باشد، بلکه صرف پرداخت تسهیلات و ایجاد سپرده برای مشتریان همان کارکرد مدیریت سبد دارایی در بانک را ایفا نموده و واسطه‌گری آن را حفظ می‌نماید. در نهایت می‌توان گفت که بانک‌های تجاری به علت اینکه بدهی آنها در تسویه معاملات مورد استفاده قرار می‌گیرد اقدام به خلق پول نموده و قسمت اعظم این خلق پول را به تسهیلات گیرندگان اعطا می‌کنند. لذا دو کارکرد ارائه خدمات پرداخت که منجر به خلق پول شده و مدیریت سبد دارایی مبنی بر اعطای تسهیلات و تصمیم‌گیری در مورد آن، به‌طور همزمان در نظام بانکی فعلی در حال انجام است.

تلفیق دو کارکرد مدیریت سبد دارایی و ارائه خدمات پرداخت در بستر تاریخی

در این بخش از نظر تاریخی، هرکدام از دو کارکرد بررسی شده و در مورد تلفیق آنها بحث خواهد شد. در واقع اینکه، آیا ابتدا کارکرد مدیریت سبد دارایی در نظام بانکی به‌عنوان وجه مشخصه بانکداری وجود داشته و بعد ارائه خدمات پرداخت به آن اضافه شده است یا اینکه ابتدا ارائه خدمات پرداخت وجود داشته و کارکرد مدیریت سبد دارایی به آن اضافه شده است؟ مسئله این قسمت می‌باشد. در ادامه بیان می‌شود که این مبحث در فهم تفاوت پیشنهادات اقتصاددانان برای نظام بانکی فعلی مؤثر خواهد بود.

در مورد تقدم کارکرد ارائه خدمات پرداخت گفته شده است: در بابل قدیم، قصرها و معابد علاوه بر استفاده در امور مذهبی به محلی برای نگهداری امانات مردم تبدیل شده بودند، چراکه از امنیت بالایی برخوردار بودند. مردم در قبال تحویل امانات رسیدهایی را دریافت می‌کردند که امکان انتقال آن به شخص ثالث وجود داشت (دیویس، ۲۰۰۲، ص۵۰). بعدها که اولین بانک‌های مدرن تأسیس شدند در قبال دریافت مبلغی به‌عنوان هزینه نگهداری، طلا و نقره و اشیاء گران‌قیمت مردم را نزد خود به امانت نگه می‌داشتند (دولت‌آبادی، ۱۳۹۴، ص۱۸).

در انگلیس نیز زرگران، نقش امانت‌دار را بازی می‌کردند و مردم طلا و نقره خود را که به صورت مسکوک بود، نزد آنها نگهداری نموده و رسیدهایی مبتنی بر طلب از زرگرها دریافت می‌کردند. کم‌کم این رسیدها در بین مردم چرخیده و به‌عنوان پول مورد استفاده قرار می‌گرفت (دیویس، ۲۰۰۲، ص۲۵۳). این رسیدها با توجه به سهولت در حمل و نقل مقبولیت بالایی پیدا کرده و به گفته دیویس در انگلستان پیش از شروع قرن ۱۸ام، حجم این رسیدها از طلا و نقره فراتر رفته بود (دیویس، ۲۰۰۲، ص۲۷۹).

این مطالب گفته شده نشان می‌دهد که بانک‌ها در کسوت امانتداری طلا و نقره مردم بودند و بعد از اینکه مردم در معاملات به‌جای درخواست طلا و نقره که پول رسمی بود، رسیدها را قبول می‌کردند، بانک‌ها فهمیدند که می‌توانند بیش از حجم طلاهای موجود رسید چاپ کنند. لذا رسیدهای بیشتری را چاپ کرده و بانکداری ذخیره جزئی را بنا نهاده و پس از آن به تسهیلات‌دهی و دریافت بهره (کارکرد مدیریت سبد دارایی) مشغول شدند. لذا بدین سبب ادعا می‌شود که در طول تاریخ کارکرد ارائه خدمات پرداخت مقدم بر کارکرد مدیریت سبد دارایی بوده است.

در مقابل در مورد تقدم کارکرد مدیریت سبد دارایی مطالب زیر قابل بیان است. کتاب تاریخ بانک و بانکداری در مورد بانکداری رومیان می‌نویسد «این افراد چون نشان ثابتی نداشتند نمی‌توانستند به جمع‌آوری سپرده بپردازند، ولی با معامله‌های مربوط به وام‌های کوتاه‌مدت و عملیات ارزی، مهارت خود را برای افزایش ثروتشان به کار می‌بردند» (ریووار، تاریخ بانک و بانکداری، ۱۳۶۹، ص۸). با توجه به این مطلب مشخص است که اگر مؤسسه‌ای توانایی جذب سپرده را نداشته باشد و نتواند نقش امانتداری را در جذب سپرده‌ها ایفا نماید، قطعاً کارکرد ارائه خدمات پرداخت را انجام نداده اما به کارکرد مدیریت سبد دارایی

www.SID.ir

Archive of SID

از طریق ارائه وام‌های کوتاه‌مدت پرداخته است. لذا می‌توان بیان کرد که قبل از امانتداری‌ها، پرداخت وام از دارایی شخصی و دریافت بهره وجود داشته است. همچنین در صفحه ۱۱ در بررسی بانکداری در قرون وسطی، گفته می‌شود که بازرگانان سپرده‌ها را دریافت کرده و جهت اعطای وام به کار می‌بردند. یهودیان که سرگردان از شهر و کشوری به شهر و کشور دیگر بودند، از قوانین رسمی معاف شده و لذا حق دریافت بهره برای وام را داشتند (همان، ص۱۲). بانکدارهای ایتالیایی در هنگام پرداخت وام، روی نیمکتی به اسم بانکو (banco) می‌نشستند و حتی اینقدر نیمکت‌ها معروف و شناخته شده بودند که در دعاوی دادگاه‌ها از آنها استفاده می‌شد. این لفظ بعدها به بانک تغییر کرد (همان،۱۴). در صفحه ۱۶ در مورد لومباردها گفته می‌شود که آنها علاوه بر تأمین مالی بازرگانی به تأمین مالی اشخاص و دولت نیز می‌پرداختند (همان،۱۶). در ادامه گفته می‌شود، کشیش‌های فرقه فرانسیسیان، تلاش کردند تا در سراسر ایتالیا مراکز کمک‌های دینی برپا کنند. آنها به مردم وام بدون بهره می‌دادند و کم‌کم مجبور شدند برای ادامه فعالیت بانکداری خود، از مردم سپرده نیز جذب کنند (همان،۱۹). این شواهد نیز نشان از این دارد که کارکرد مدیریت سبد دارایی مقدم بر کارکرد ارائه خدمات پرداخت بوده و لذا ماهیت بانک همان مدیریت سبد دارایی است.

شواهد فوق را می‌توان این‌گونه با هم جمع نمود که در طول تاریخ هرکدام از کارکردهای مدیریت سبد دارایی و ارائه خدمات پرداخت، به ترتیب از طریق مؤسساتی که به مردم وام (به همراه بهره و یا بدون بهره) می‌دادند و همچنین مؤسساتی که نقش امانتداری را برای ثروت‌های مردم اعم از طلا و نقره بازی می‌کردند به‌طور مجزا و مستقل از هم وجود داشته است. در هنگام رجوع به تاریخ نیز، آن دسته از پژوهشگرانی که ماهیت بانک را مدیریت سبد دارایی (جذب سپرده و اعطای وام) دانسته به شواهد تاریخی مدیریت سبد دارایی اشاره نموده‌اند. در مقابل پژوهشگرانی که ماهیت بانک را در ارائه خدمات پرداخت (امانتداری‌ها که بعداً رسیدهای آنها بین مردم دست دست می‌چرخید و نقش پول را بازی کرده، مبادلات را با آن تسویه می‌کردند) می‌دانند به شواهد تاریخی آن اشاره کرده و آن را مقدم بر کارکرد مدیریت سبد دارایی دانسته‌اند.

در نهایت به نظر می‌رسد که هر دو کارکرد به صورت مجزا توسط مؤسساتی ارائه می‌شده و یافتن تقدم هرکدام از آنها بر دیگری قدر به یقین، مشخص نیست. تلفیق این دو کارکرد در طول زمان از اهمیت فراوانی برخوردار است که در برهه‌ای از تاریخ اتفاق افتاده و تا الان ادامه پیدا کرده است. بدین صورت که امانتداری‌ها، وقتی فهمیدند رسیدهای آنها پول شده است و تسویه معاملات با آن انجام می‌گیرد، شروع به استفاده از این فرصت نموده و اقدام به اعطای بیشتر رسیدهای بدون پشتوانه از طریق اعطای تسهیلات (کارکرد مدیریت سبد دارایی) نموده‌اند. یا اینکه مؤسساتی که به مردم وام پرداخت می‌کردند، در کنار اعطای وام، امانات مردم را هم دریافت نموده و در قبال آن کارمزدی دریافت می‌کردند. این تلفیق در هر دو صورت بیان شده (تقدم و یا تأخر یکی از کارکردها بر دیگری)، به وقوع پیوسته و اثرات خود را بر جای گذاشته است که در بخش‌های بعدی بررسی می‌شود.

دلالت‌ها و مشکلات نظام پولی فعلی مبتنی بر تلفیق دو کارکرد مدیریت سبد دارایی و ارائه خدمات پرداخت

همان‌طور که گذشت، نظام پولی فعلی که مبتنی بر ذخیره جزئی می‌باشد، دو کارکرد مدیریت سبد دارایی و ارائه خدمات پرداخت را به‌طور همزمان در نظام بانکی ارائه می‌دهد. در این بخش دلالت‌های این تلفیق در دو دسته دلالت‌های عمومی و دلالت‌های ناظر به اقتصاد اسلامی بیان می‌شوند. دلالت‌های عمومی ناظر به مطالبی است که هم در اقتصاد متعارف و هم در اقتصاد اسلامی، قابل طرح می‌باشند. دلالت‌های ناظر به اقتصاد اسلامی نیز، آن دسته از دلالت‌هایی را که در اقتصاد متعارف مطرح نمی‌شود، در بر می‌گیرد.

الف) دلالت‌ها و مشکلات عمومی

در ادبیات اقتصاددانان دلالت‌های فراوانی برای این تلفیق دو کارکرد ارائه شده است، اگرچه مستقیماً به تلفیق این دو کارکرد اشاره‌ای نشده است. در ذیل این دلالت‌ها به تفکیک بیان می‌شوند.

۱. بی‌ثباتی و تشدید نوسانات اقتصادی: در بانکداری مبتنی بر ذخیره جزئی که بانک‌ها امکان خلق پول دارند و تصمیمات خلق پول را براساس سودآوری این کار اتخاذ می‌کنند (در رویکرد

www.SID.ir

Archive of SID

علیت معکوس)، بی‌ثباتی در اقتصاد تشدید می‌شود. در واقع در شرایط رونق اقتصادی چون احتمال بازپرداخت وام‌ها بیشتر است و بنگاه‌ها سود خوبی به دست می‌آورند، بانک‌ها علاقه‌مندند از طریق ارائه تسهیلات و خرید دارایی‌ها سود خود را افزایش دهند. در شرایط رکود عکس این حالت برقرار است. فیشر این مطلب را این‌گونه توضیح می‌دهد که افزایش وام بانکی باعث ایجاد رونق و افزایش سطح عمومی قیمت‌ها می‌شود. این افزایش قیمت‌ها، سود بنگاه‌ها را افزایش داده و بانک‌ها نیز بیشتر به آنها وام می‌دهند. لذا چرخه رونق شدیدتر می‌شود. عکس این چرخه برای شرایط رکود نیز برقرار است (فیشر، ۱۹۳۶، ص۱۸۰ و ۱۸۱). وی از بین عوامل مختلفی که برای ایجاد چرخه‌های تجاری (business cycles) برمی‌شمارد، عامل اصلی را خلق پول بانک‌ها می‌داند (همان، ۱۲۱-۱۲۳). سیمونز در این باره بیان می‌کند که پول موقعی که باید ایجاد شود از بین می‌رود و موقعی که باید از بین برود ایجاد می‌شود (سیمونز، ۱۹۴۸، ص۳۱ به نقل از دمولمستر، ۲۰۱۸). فریدمن نیز در این زمینه بیان می‌کند به ازاء یک مقدار پول پر قدرت در اقتصاد، تصمیم دارنده پول که آن را به شکل سپرده نگهداری نماید یا اینکه به صورت اسکناس نگه‌داشته شود، بر روی حجم پول اقتصاد اثرگذار است. لذا هنگام تبدیل اسکناس به سپرده، حجم پول افزایش یافته و در هنگام تبدیل پول سپرده‌ای به اسکناس حجم پول کاهش پیدا می‌کند. همچنین این مشکل هنگام تبدیل سپرده‌ها به یکدیگر (در صورت متفاوت بودن نرخ ذخائر قانونی برای هرکدام از سپرده‌ها) نیز بوجود می‌آید (فریدمن، ۱۹۹۲، ص۶۷). پژوهشگران دیگری از قبیل دی سوتو (۲۰۱۲)، آلن (۱۹۹۳) ، تالاوا و دیگران (۲۰۰۶)، جکسون و دی‌سون (۲۰۱۲) و کرینر (۲۰۱۷) به این موضوع اشاره کرده‌اند؛

۲. بحران‌های بانکی اعم از هجوم بانکی (bank run)، بحران نقدینگی (illiquidity) و ورشکستگی بانک‌ها (bank insolvency): در این موضوع با توجه به اینکه بانک‌ها به میزان درصدی از سپرده‌های مردم، پول نگه‌داشته‌اند، در شرایطی که اعتماد به مردم به نظام بانکی از بین برود به این بانک‌ها هجوم آورده و با انتقال سپرده‌ها به بانک‌های دیگر و یا تبدیل آنها به اسکناس این بانک‌ها را با مشکل مواجه می‌کنند (فریدمن، ۱۹۹۲، ص۶۷؛ اسپونگ،۱۹۹۳؛ جکسون و دی‌سون، ۲۰۱۲). بحران‌های اقتصادی نیز از منظر بسیاری از اقتصاددانان ریشه در بانکداری ذخیره جزئی داشته که پس از بحران‌ها، پیشنهادات فراوانی برای حل آن بیان شده است (دمولمستر، ۲۰۱۸)؛

۳. افزایش مداخله دولت و عدم کارایی: دولت به سبب قرض‌دهنده نهایی (last resort the lender of) برای جلوگیری از ورشکستگی بانک‌ها ورود پیدا می‌کند که این امر می‌تواند کارایی نظام بانکی را از طریق افزایش تصمیمات خطرناک و اتخاذ کژمنشی (moralhazard) کاهش دهد (توبین، ۱۹۸۵)؛

۴. اخلال در توزیع درآمد جامعه و مخالف با معیار عدالت: خلق پول بانک‌ها موجب افزایش سطح عمومی قیمت‌ها می‌شود که نوعی مالیات است. از این مالیات تعبیر به مالیات تورمی و یا مالیات پنهان شده است (توسلی و دیگران، ۱۳۹۲، ص۸). این خود توزیع درآمد جامعه را به هم می‌زند (دولت‌آبادی، ۱۳۹۴، ص۷۰). موریس اله بیان می‌کند که بانک‌ها در نظام ذخیره جزئی که خلق پول از هیچ می‌کنند، در واقع به مانند جاعلان اسکناس عمل کرده و برای خود درآمد کسب می‌کنند (به نقل از فیلیپس، ۱۹۹۲). این درآمد که حق‌الضرب ناشی از خلق پول نامیده می‌شود در اختیار بانک‌های تجاری قرار دارد. همچنین جکسون و دی‌سون (۲۰۱۲) از منظر عدالت توزیعی این نظام را مورد نقد قرار می‌دهد؛

۵. تضعیف دموکراسی: بانک‌ها چون امکان خلق پول دارند در تصمیم‌های سیاسی وارد شده و موجب فساد دموکراسی می‌شوند (کالینز و دیگران، ۲۰۱۱). جکسون و دی‌سون (۲۰۱۲) در این‌باره بیان می‌کنند که قدرت بیشتر بانک‌ها در تصمیمات خلق پول در اقتصاد، ضمن تضعیف دموکراسی، ساختار اقتصاد متناسب با قدرت بانکداران را تقویت کرده که این قدرت بانک‌ها منطقی به نظر نمی‌رسد.

همچنین پول یک منفعت عمومی است و مردم از طریق دموکراسی به شخص دولت به‌عنوان نماینده ایشان اعتماد کرده‌اند. اما در بانکداری ذخیره جزئی تصمیمات مربوط به پول و خلق آن در دست بانک‌های خصوصی که دنبال نفع شخصی هستند قرار می‌گیرد؛

۶. عدم رعایت ملاحظات اخلاقی: مخالفان بدین نکته توجه داشته‌اند که عملیات خلق پول بانکی نوعی خیانت در امانت است

www.SID.ir

Archive of SID

و غیرشفاف می‌باشد. چراکه از ابتدا تعهد عمومی به نگهداری پشتوانه صددرصدی بوده است (هالسمن، ۲۰۰۸، ص۹۴).

۷. به خطر انداختن توسعه پایدار: مخالفان بر این عقیده هستند که خلق پول به همراه بهره، باعث می‌شود که فشار بیشتری به طبیعت وارد شده تا اینکه اصل وام به همراه بهره آن بازپرداخت شود. این فشار بیش از حد باعث انواع آلودگی‌های محیط زیستی شده و توسعه پایدار را به خطر می‌اندازد (ادواردز، ۲۰۱۳). جکسون و دی‌سون (۲۰۱۲) بیان می‌کنند که چون اختیار خلق پول در دست بانک‌هاست، آنها با توجه به سودآوری، وام‌ها را تخصیص داده و باعث تزریق وام‌ها به بخش‌هایی می‌شوند که توسعه پایدار محیط زیست را از بین می‌برد، چراکه این بخش‌ها در حال حاضر از سود سرشاری به قیمت ضرر آیندگان برخوردار هستند؛

۸. عدم توان اعمال حاکمیت دولت: در نظام خلق پول ذخیره جزئی قدرت اصلی خلق پول از دست دولت و حاکمیت خارج می‌شود، در حالی که پول یکی از شئون حاکمیت است و افراد خصوصی نباید در آن دخالتی داشته باشند (فیشر، ۱۹۳۶).

در نهایت اثرات و دلالت‌های جزئی دیگری از قبیل نقض آزادی اقتصادی، انتقال ثروت از فقرا به ثروتمندان و محرومیت اجتماعی آنان، (صمصامی و کیانپور، ۱۳۹۴، ص۱۱۷)، حباب قیمت دارایی‌ها (جکسون و دی‌سون، ۲۰۱۲) و... در ادبیات بیان شده است که تقریباً بیان دیگری از موارد قبلی می‌باشد.

ب) دلالت‌ها و مشکلات ناظر به اقتصاد اسلامی

در اقتصاد اسلامی نیز اضافه بر دلالت‌هایی که در بخش بالا اشاره شد، به‌طور خاص مطالبی توسط اقتصاددانان مسلمان بیان شده است که به ترتیب ذکر می‌گردد. لذا مواردی که در بالا بیان شد نیز از نظر اقتصاد اسلامی مهم بوده و مطرح شده‌اند اما چون با اقتصاد متعارف مشترک است در بالا بیان شد، در ذیل دلالت‌های خاص که فقط در اقتصاد اسلامی بیان شده است، ذکر گردیده است.

۱. اکل مال به باطل بودن فرآیند خلق پول در نظام بانکی: صمصامی و کیانپور (۱۳۹۴) با اشاره به آیات مبارکه قرآن کریم، بیان می‌کنند که بانک‌ها از طریق خلق پول و ایجاد تورم ناشی از آن، از اموال دیگران می‌کاهند و به تملک خود درمی‌آورند. این به تملک درآوردن خلاف تراضی طرفینی است که در اسلام پذیرفته شده است. لذا خلق پول از منظر این ضابطه فقهی در اقتصاد و بانکداری اسلامی ممنوع است؛

۲. عدم ایفای تعهد در خلق پول: بانک‌ها با توجه به اینکه تعهد کرده بودند که پشتوانه صددرصدی برای رسیدهای خود داشته باشند، اما خلف وعده نموده و این را زیر پا گذاشتند. لذا از این منظر خلق پول منطبق با ضوابط شرعی اقتصاد و بانکداری اسلامی نیست (صمصامی و کیانپور، ۱۳۹۴)؛

۳. عدم رعایت قاعده احترام به مال مسلم: حسینی دولت‌آبادی (۱۳۹۴، ص۱۲۵) خلق پول بانک‌های تجاری را با توجه به اثراتی که دارد خلاف قاعده فقهی احترام به مال مسلم دانسته و آن را رد می‌کند. پژوهشگران دیگری نیز کاهش ارزش پول ملی و ایجاد تورم ناشی از خلق پول را مصداق اصطلاح فقهی «نقص در مال» دانسته‌اند (توسلی و دیگران، ۱۳۹۲، ص۹). این اصطلاح که در مورد هر مال معنای خاص خود را دارد، در اینجا بدین معناست که تورم موجب نقص در اموال افراد نگهدارنده پول شده و قاعده احترام نقض می‌شود.

سایر دلالت‌های خاص ناظر به اقتصاد اسلامی از قبیل لزوم مالکیت دولت بر خلق پول که نماینده عموم است، عدالت و توزیع درآمد، ثبات اقتصادی، رشد اقتصادی، مولدیت و بی‌ثباتی در قیمت‌ها توسط اقتصاددانان مسلمان بیان شده است (حسینی دولت‌آبادی، ۱۳۹۴؛ صمصامی و کیانپور، ۱۳۹۴؛ سبحانی و دیگران، ۱۳۹۵) که با توجه به اشتراک این دلالت‌ها در اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی، در بخش دلالت‌های عمومی ذکر گردید.

نظام‌های جایگزین برای نظام پولی فعلی

در ادبیات اقتصادی با توجه به مشکلات ناشی از تلفیق دو کارکرد مدیریت سبد دارایی و ارائه خدمات پرداخت در نظام پولی ذخیره جزئی، نظام‌های جایگزین مطرح شده‌اند. در ذیل این نظام‌های جایگزین به‌طور اجمالی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

به‌طور کلی در ادبیات، پیشنهادهای مختلفی برای اصلاح مشکلات نظام پولی ذخیره جزئی مطرح شده است. می‌توان موارد بانکداری ذخیره صددرصد، اصلاح نظام ذخیره جزئی از طریق وضع قوانین محدودکننده، دولتی کردن بانک‌ها، برگشت به نظام

www.SID.ir

Archive of SID

مبتنی بر طلا و نقره و... را برشمرد که هرکدام به صورت مجزا توضیح داده شده و جمع‌بندی صورت خواهد گرفت.

بانکداری ذخیره صددرصدی (100% reserve banking) مهم‌ترین و مشهورترین نظام پولی جایگزین نظام پولی فعلی می‌باشد که بسیار مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفته است. اولین اقتصاددانی که این نظام را پیشنهاد کرده ریکاردو (۱۹۵۱) بوده است. وی در سال ۱۸۲۳ می بیان می‌کند که وام‌دهی بانک‌ها باید از خلق پول جدا باشد. این کار باید از طریق نگهداری و ذخیره صددرصد طلا اتفاق بیفتد. به گفته فیلیپس (۱۹۹۲) این پیشنهاد ریکاردو مقدمه‌ای شد برای حذف امکان خلق اسکناس توسط بانک‌ها که در سال ۱۸۴۴ تحت عنوان bank charter act در انگلستان به صورت قانون درآمد (لینا، ۲۰۱۵، ص۳).

بعد از بحران ۱۹۲۹ تعدادی از اقتصاددانان آمریکا به اسامی داگلاس، هارت، نایت، مینتس، شولتس، سیمونز، ککس و دیرکتور[1] در سال ۱۹۳۳ طرحی به اسم طرح شیکاگو (Chicago plan) را برای حل بحران‌های اقتصادی ارائه نمودند که در آن بانکداری ذخیره صددرصدی را پیشنهاد کردند (دمولمستر، ۲۰۱۸). در این پیشنهاد برای سپرده‌های دیداری ذخیره ۱۰۰% از اسکناس و ذخایر بانک مرکزی توصیه شده بود. بانک‌های تجاری در این پیشنهاد به‌طور کامل به صندوق‌های سرمایه گذاری تبدیل می‌شوند (دمولمستر، ۲۰۱۸، ص۳).

غیر از ریکاردو و اقتصاددانان شیکاگو، اقتصاددانان دیگری نیز از طرح بانکداری ذخیره صددرصدی حمایت کردند. کاریو[2] در سال ۱۹۳۴؛ فیشر، ۱۹۳۶؛ انگل، ۱۹۳۵ در دهه ۳۰ پس از بحران و سایر اقتصاددانان از قبیل الایس در سال ۱۹۴۷؛ فریدمن، ۱۹۴۸؛ توبین، ۱۹۸۵؛ مینسکی، ۱۹۹۴ از طرح بانکداری ذخیره صددرصدی برای حل مشکلات نظام مبتنی بر ذخیره جزئی حمایت کردند (لینا، ۲۰۱۵).

اما نکته قابل توجه که کمتر مورد بحث قرار گرفته است این است که پیشنهادات این اقتصاددانان در مورد بانکداری ذخیره صددرصدی در عین اینکه همه بانکداری ذخیره صددرصد هستند، اختلافات چشمگیری با هم دارند. دمولمستر در مورد این اختلافات دو دسته کلی از پیشنهادات را از هم جدا نموده است. دسته اول مربوط به پیشنهاد اقتصاددانان شیکاگو، ویتلسی، فریدمن و مینسکی است. دسته دوم نیز پیشنهادات کاریو، فیشر، لستر، تولی و توبین می‌باشند (دمولمستر، ۲۰۱۸). تفاوت این دو دسته در این است که برنامه اقتصاددانان شیکاگو و همفکران آن، در مورد بانکداری ذخیره صددرصدی به سمت پایان نظام بانکی حرکت می‌کند. در پیشنهاد ایشان قسمتی از بانک‌ها باقی مانده و صرفاً خدمات پرداخت را ارائه می‌دهد و در مقابل ارائه خدمات پرداخت نیز صددرصد ذخیره نگهداری می‌شود. این مؤسسه که خدمات تسویه معاملات را انجام می‌دهد، به ارائه تسهیلات نمی‌پردازد و بانکداری پستی (post office banking) نامگذاری شده است. در مقابل بخش دیگر بانک‌ها به مانند سایر مؤسسات مالی و صندوق‌های سرمایه‌گذاری اقدام به انتشار سهام نموده و از این طریق تأمین مالی را انجام می‌دهند. در واقع با این پیشنهاد مشخص است که نظام بانکی به معنای ارائه تسهیلات و جذب سپرده برای آن، دیگر به پایان رسیده است (دمولمستر، ۲۰۱۸). دلیل این پیشنهاد این است که این اقتصاددانان بر این باورند که در صورت وجود نظام بانکی که به ارائه تسهیلات و جذب سپرده بپردازد، کم‌کم در طول زمان، بدهی آن مؤسسه که همان سپرده‌های مردم هستند، نقدشوندگی‌شان بیشتر شده و کارکرد پول را بازی می‌کنند. اگر این بدهی‌ها پول شود و در تسویه معاملات مورد استفاده قرار بگیرد، همان‌طور که در بخش‌های ابتدایی این پژوهش اشاره شد، امکان خلق پول دوباره برای آن بانک فراهم شده و نظام ذخیره جزئی از سر گرفته می‌شود. لذا برای جلوگیری از این امر، پیشنهاد حذف نظام بانکی توسط این اقتصاددانان داده شده است (دمولمستر، ۲۰۱۸). می‌توان فهمید که این اقتصاددانان قائل به رویکرد تقدم مدیریت سبد دارایی بر خدمات پرداخت در بستر تاریخی بوده‌اند که در پیشنهاد خودشان، از پدید آمدن مورد مشابه جلوگیری به عمل می‌آورند.

در مقابل اقتصاددانانی از قبیل فیشر و همفکرانش، بانکداری ذخیره صددرصدی را به گونه‌ای پیشنهاد داده‌اند که نظام بانکی همچنان باقی بماند و حتی در بخش‌هایی بانکداری ذخیره جزئی به حیات خود ادامه دهد، در عین اینکه مشکلات نظام ذخیره جزئی

1. This group included Garfield Cox, Aaron Director, Paul Douglas, Frank Knight, Albert G. Hart, Lloyd Mints, Henry Schultz, and Henry Simons.
2. currie

www.SID.ir

Archive of SID

برطرف شده باشد. فیشر بیان می‌کند که یک بخشی از بانک همانند پیشنهاد اقتصاددانان شیکاگو به ارائه خدمات پرداخت بپردازد و برای سپرده‌هایی که در آن بانک قرار می‌گیرد، ذخیره صددرصدی وضع شود. اما در کنار این، قسمت دیگر بانک که به فعالیت‌های سرمایه‌گذاری، جذب سپرده و... می‌پردازد (مدیریت سبد دارایی)، به فعالیت‌های خودش ادامه داده و در آن حتی می‌توان ذخیره جزئی را هم پیاده کرد. بدین معنا که در آن بانک سرمایه‌گذاری، سپرده‌ها برای تأمین مالی بلندمدت و با قید بلندمدت جذب می‌شوند. ممکن است بانک به سبب رقابت با سایر بانک‌ها به این فکر بیفتد که درصدی از نقدینگی را همواره نزد خود داشته باشد و در صورت بروز مشکل برای سپرده‌گذاران اصل پول آنها را به آنها بازگرداند. در واقع درصدی از سپرده مشتریان برای مواقع اضطرار کنار گذاشته شده که همان بانکداری ذخیره جزئی می‌شود. اما با توجه به اینکه ممکن است این بدهی بانک نقدشوندگی بالایی پیدا کرده و نقش پول را بازی کرده و دوباره مشکلات را ایجاد کند، فیشر تأکید می‌کند که باید جلوی نقدشوندگی سپرده‌های بانک‌های سرمایه‌گذاری گرفته شود (دمولمستر، ۲۰۱۸).

در مورد طرح اقتصاددانان شیکاگو گفته شده است که شاید به نظر برسد که بانکداری ذخیره صددرصدی جلوی آزادی عمل بانک‌های تجاری را می‌گیرد و این با منش اقتصاددانان شیکاگو که به حمایت از بازار آزاد معروف هستند، سازگار نیست. اما عده‌ای در همان بحبوحه اصلاحات نظام پولی، پیشنهاد دولتی کردن بانک‌ها را به‌عنوان پیشنهاد اصلاحی و خلاص شدن از این گرفتاری‌ها مطرح می‌کردند (سیمونز، ۱۹۴۸). در واقع اقتصاددانان دانشگاه شیکاگو بانکداری ذخیره صددرصدی را ارائه و پیشنهاد دادند که جلوی دولتی شدن بانک‌ها گرفته شود. لذا یکی دیگر از پیشنهادات اصلاحی، دولتی کردن بانک‌هاست.

در پیشنهادی دیگر، هایک (۱۹۳۷) نیز بانکداری ذخیره صددرصدی مبتنی بر طلا و نقره و نه اسکناس‌های دولتی را پیشنهاد داده است. یعنی به ازای طلا و نقره که در بانک‌ها نگهداری می‌شود، به همان میزان اسکناس دولتی چاپ و انتشار داده شود. این نظام نه تنها جلوی خلق پول بانکی را می‌گیرد بلکه دولت را هم از منتفع شدن از منافع خلق پول محروم می‌کند.

در نهایت در همان ایام دهه ۳۰ که بعد از بحران بود، به‌طور موازی با طرح اقتصاددانان شیکاگو، طرح اصلاح نظام بانکی مبتنی بر ذخیره جزئی از طریق اصلاح قوانین و مقررات مالی توسط بعضی اقتصاددانان دنبال می‌شد (کرینر، ۲۰۱۷، ص۲۸). این طرح که به اسم گلس-استیگل[1] معروف است، در نهایت گوی سبقت را از طرح اقتصاددانان شیکاگو ربود و به‌عنوان اصلاح نظام پولی ذخیره جزئی در آمریکا تصویب شد. در مورد علت این امر در حالی که موافقت بیش از ۴۰۰ اقتصاددان با طرح بانکداری ذخیره صددرصدی اعلام شده بود (لینا، ۲۰۱۵، ص۱۰)، عوامل مختلفی از قبیل لابی‌گری بانکداران و ترس از واکنش آنها بیان شده است (کرینر، ۲۰۱۷، ص۳۰).

به‌طور خلاصه پیشنهادات بانکداری ذخیره صددرصدی موارد: ۱. ریکاردو و هایک مبتنی بر ذخیره صددرصد اسکناس در مقابل طلا و نقره؛ ۲. طرح اقتصاددانان شیکاگو؛ ۳. طرح فیشر، کاریو، توبین و دیگران؛ ۴. طرح دولتی شدن بانک‌ها و؛ ۵. طرح اصلاح نظام بانکی ذخیره جزئی از طریق اصلاح قوانین بودند که بیان گردید و با هم در بعضی جنبه‌ها نیز متفاوت بودند. به منظور توضیح این دیدگاه‌ها می‌توان بیان کرد که سه نوع پول طلا-نقره، اسکناس دولتی و ذخائر بانک مرکزی نقش مابه‌ازاء برای خلق پول را داشته‌اند. بانکداری ذخیره صددرصد در مورد پول طلا-نقره به گونه‌ای است که به اندازه حجم طلا-نقره سپرده شده رسید منتشر شود و نه بیشتر. پیشنهاد ریکاردو و هایک در مورد بانکداری ذخیره صددرصدی نیز با توجه به شرایط آن زمان، همین پیشنهاد بوده است. اما پس از مدتی که اسکناس‌های دولتی نقش پول را بازی کردند، بانک‌ها اسکناس‌ها را از مردم در قالب سپرده دریافت می‌کردند. در اینجا بانکداری ذخیره صددرصدی بیان می‌کند که میزان پول سپرده‌ای مردم نزد بانک‌ها نباید از میزان پول اسکناس دولتی که اول‌بار در بانک قرار داده‌اند، بیشتر شود. بلکه دقیقاً به همان اندازه باشد. نهایتاً در شرایط فعلی که حجم اسکناس دولتی در اقتصاد کاهش پیدا کرده و به‌جای آن ذخایر بانک‌ها نزد بانک مرکزی موضوعیت پیدا کرده است، بانکداری ذخیره صددرصدی بدین معناست که صرفاً به اندازه ذخایر بانک‌ها نزد بانک مرکزی که ماهیتاً شبیه همان اسکناس دولتی هستند، پول سپرده‌ای وجود داشته باشد و نه بیشتر.

1. Glass-steagall

www.SID.ir

Archive of SID

در نهایت به منظور خاتمه مطالب این قسمت، افزودن نکات زیر ضروری به نظر می‌رسد. اولاً مزایای بانکداری ذخیره صددرصدی علاوه بر حل مشکلات مطرح شده در مورد نظام بانکی ذخیره جزئی (که مختصراً در بخش‌های قبلی بیان شد) در پژوهش‌های فراوانی مورد بررسی قرار گرفته که در این پژوهش نمی‌گنجد (از جمله موسگریو، ۲۰۱۴ و ۲۰۱۸). ثانیاً با توجه به اینکه نظام‌های ذخیره جزئی مختلفی توسط اقتصاددانان بیان شده و با هم بعضا از جنبه‌هایی متفاوت هستند، بررسی تطبیقی آنها و استخراج نظام کامل و بهینه در بین آنها، پژوهشی ارزشمند است که در اینجا نمی‌گنجد.

الگوی مطلوب بانکداری اسلامی و مزایای آن

در این قسمت ابتدا الگوی مطلوب ادعا شده برای بانکداری اسلامی تشریح شده و سپس دلایل این الگوی مطلوب ذکر می‌گردد.

به نظر می‌رسد الگوی مطلوب بانکداری اسلامی تفکیک دو کارکرد مدیریت سبد دارایی و ارائه خدمات پرداخت و سپردن آنها به نهادهای جداگانه می‌باشد. در این الگو کارکرد ارائه خدمات پرداخت از نظام بانکی متعارف جدا شده و در دست نهاد حاکمیتی بانک مرکزی قرار خواهد گرفت. کارکرد مدیریت سبد دارایی نیز به مؤسسات مالی واگذار می‌شود. در این مؤسسات بانک‌ها نیز با ماهیت مدیریت سبد دارایی حضور دارند.

جدا شدن کارکرد ارائه خدمات پرداخت از نظام بانکی متعارف و انتقال آن به بانک مرکزی بدین صورت است که تعدادی از شعب بانک‌های دولتی به‌عنوان بانکداری پستی زیر نظر بانک مرکزی ایفای نقش نموده و به نگهداری حساب‌های مردم جهت تسویه معاملات می‌پردازند. در این وضعیت هرگونه معامله‌ای صرفاً با انتقال وجوه حساب‌ها از این شعب که زیر نظر بانک مرکزی است، صورت می‌گیرد. یکی دیگر از حالت‌هایی که اخیراً اوج گرفته موضوع ارز دیجیتال بانک مرکزی (CBDC) است. در شرایطی که صرفاً ارز دیجیتال بانک مرکزی در اقصاد وجود داشته باشد، تسویه معاملات صرفاً از طریق بدهی بانک مرکزی انجام گرفته و مصداقی از همین الگوی مطلوب می‌شود. با توجه به اینکه این کارکرد زیر نظر بانک مرکزی می‌رود، بانک مرکزی تنها نهادی است که امکان خلق پول در اقتصاد داشته و می‌تواند آن را به اشکال مختلف به انجام برساند. به‌طور مثال می‌تواند به صورت مساوی همه حساب‌ها را افزایش دهد یا اینکه از طریق اعطای تسهیلات به بخش‌های خاصی، صرفاً حساب آن بخش‌ها را در نزد خودش افزایش داده و سیاست انبساط پولی انجام دهد. همچنین می‌تواند همانند نظام بانکی فعلی از طریق عملیات بازار باز نیز این کار را انجام دهد. اما تفاوت اساسی در این است که در این نظام جدید مردم و بانک‌ها نزد بانک مرکزی حساب داشته و به‌طور مثال در صورت اعطای تسهیلات توسط بانک تجاری به شخص دریافت‌کننده تسهیلات، حساب بانک تجاری نزد بانک مرکزی کاهش یافته و حساب شخص دریافت‌کننده تسهیلات افزایش می‌یابد.

جدا شدن کارکرد مدیریت سبد دارایی از نظام بانکی متعارف و انتقال آن به سایر مؤسسات مالی نیز بدین صورت است که بانک‌ها دیگر به تخصیص و تجهیز سپرده به شیوه رایج پایان خواهند داد. همان‌طور که گفته شد بانک‌های فعلی در این شرایط می‌توانند در نقش سایر مؤسسات مالی ادامه فعالیت دهند. نحوه ارائه کارکرد مدیریت سبد دارایی در این بانک‌ها می‌تواند به دو صورت باشد. در صورت اول بانک تغییر ماهیت داده شده به مانند سایر مؤسسات مالی به انتشار اوراق سهام پرداخته و از این طریق تأمین مالی لازم را انجام می‌دهد. در مقابل این تأمین مالی را به شرکت‌های نیازمند به منابع واگذار می‌کند. نقش بانک در این صورت همانند بانک‌های سرمایه‌گذاری، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و یا صندوق‌های سرمایه‌گذاری می‌شود. در صورت دوم بانک همچنان به جذب سپرده و تخصیص آن مبادرت می‌ورزد اما به هیچ عنوان متعهد به پرداخت عندالمطالبه نیست. یعنی دفترچه‌ای که نشان از حساب شخص سپرده‌گذار در بانک دارد، به مانند اوراق سهام قابل نقد شدن قبل از سررسید توسط بانک نیست. مشخص است که در صورت اول که بانک‌ها از طریق اوراق سهام به تأمین مالی می‌پردازند، انواع عقود مشارکتی قابل اجراست. در صورت دوم نیز که بانک‌ها به تجهیز و تخصیص منابع با قید عدم وصول عندالمطالبه می‌پردازند، در سمت تجهیز عقد وکالت و در سمت تخصیص عقود مشارکتی و مبادله‌ای در آن قابل پیاده‌سازی است. در ادامه به دلائل انتخاب این الگو پرداخته می‌شود.

www.SID.ir

Archive of SID

دلیل حذف کارکرد مدیریت سبد دارایی از نظام بانکی این است که در صورت باقی ماندن تجهیز و تخصیص به صورت عندالمطالبه در نظام بانکی متعارف، نظام ذخیره جزئی و مشکلات آن از سر گرفته می‌شود. اگر بدهی بانک‌ها نقدشوندگی بالایی پیدا کرده و در تسویه معاملات مورد استفاده قرار بگیرد، امکان خلق پول برای بانک‌ها فراهم می‌شود. این نقدشدن بدهی مؤسسه‌ای که به تجهیز و تخصیص منابع می‌پردازد، کاملاً قابل تصور است. چراکه بانکدارها به مدیریت نقدینگی موجود در بانک پرداخته و به مشتریان اعلام می‌کنند که درصدی از نقدینگی در بانک نگهداری شده و سرمایه‌گذاری نمی‌شود. اگر سپرده‌گذاران در هر لحظه به پول خود نیاز پیدا کنند، با این درصدی از نقدینگی نگه‌داشته شده در بانک به نیاز آنها پاسخ داده می‌شود. از آن جهت که همواره درصد کمی از سپرده‌گذاران به پول خود نیاز پیدا می‌کنند، این بانک بدون هیچ مشکلی به فعالیت خود ادامه می‌دهد. همین تعهد به پرداخت عندالمطالبه که شگرد بانکداری است، نقدشوندگی بدهی بانک را افزایش داده و آن را به پول تبدیل می‌کند. از زمانی که بدهی بانک به‌عنوان پول مورد استفاده قرار گرفت، آنگاه خلق پول برای بانک‌ها مهیا شده و تمامی مشکلات بیان شده ناظر به نظام بانکی متعارف دوباره آغاز می‌گردد. به همین دلیل پیشنهاد اقتصاددانان شیکاگو نیز بر پایان نظام بانکی به شکل فعلی دلالت داشت. این موضوع در بحث تاریخی نیز توضیح داده شد.

در پیشنهادهای جایگزین برای نظام بانکی فعلی از قبیل فیشر، توبین و... کارکرد ارائه خدمات پرداخت باز هم در دست بانک‌ها باقی مانده و برای جلوگیری از مشکلات نظام فعلی، نگهداری ذخائر صددرصدی توصیه می‌گردد. اما در این الگوی مطلوب، پیشنهاد حذف کارکرد ارائه خدمات پرداخت از نظام بانکی داده شده است. دلیل حذف کارکرد ارائه خدمات پرداخت از نظام بانکی این است که در غیر این صورت مشکلات بیان شده در مورد نظام بانکی متعارف کماکان باقی می‌مانند. این ادعا مبتنی بر نقدی است که با توجه به رویکرد علیت معکوس در مورد خلق پول بیان شد. خلاصه آنکه در رویکرد علیت معکوس به خلق پول (که توضیح آن در بالا گذشت) نظام بانکداری ذخیره صددرصد نیز مانع تصمیمات مربوط به خلق پول توسط نظام بانکی نمی‌شود. این بدان جهت است که در رویکرد علیت معکوس ابتدا بانک‌های تجاری اقدام به خلق پول نموده و سپس به دنبال تأمین ذخائر مورد نیاز آن می‌روند. در این شرایط اگر بانکداری ذخیره صددرصدی هم حاکم باشد، بانک اقدام به خلق پول سپرده‌ای نموده و سپس به سراغ تأمین ذخائر به همان اندازه می‌رود. لذا در این شرایط تصمیم خلق و یا هدم پول در دست بانک‌های تجاری باقی مانده و صرفاً هزینه خلق پول از طریق اعمال ذخیره صددرصدی برای بانک‌ها افزایش پیدا کرده است. ممکن است بیان شود که این افزایش هزینه در آن حدی است که دیگر خلق پولی اتفاق نمی‌افتد و لذا این جدا کردن کارکرد از نظام بانکی موجه نیست. این استدلال منطقی به نظر می‌رسد اما در هر صورت ممکن است شرایط به‌گونه‌ای باشد که خلق پول برای بانک‌های تجاری سودآور بوده و علی‌رغم هزینه بالا به این کار مبادرت ورزند. لذا به منظور حذف بی‌قید و شرط قدرت خلق پول از بانک‌های تجاری، این مهم ضروری به نظر می‌رسد.

اما در مورد اینکه چرا این نظام بانکی تفکیک شده، الگوی مطلوب بانکداری اسلامی است، دلایلی قابل طرح است. در اندیشه پژوهشگران اقتصاد اسلامی موضوعات عدالت و ثبات اقتصادی از جمله اهداف کلان نظام اقتصادی اسلام به شمار می‌روند (صدر، ۱۳۹۳)، صمصامی و کیانپور (۱۳۹۴) و میرمعزی (۱۳۸۴). ادعا این است که نظام مطلوب مطرح شده به نسبت نظام بانکی ذخیره جزئی، با این اهداف کلان نظام اقتصادی اسلام تطابق بیشتری دارد. در مورد هدف عدالت وقتی خلق پول در دست دولت و حاکمیت باشد، منافع و حق‌الضرب خلق پول در دست نماینده مردم است و نه به صورت تبعیض‌آمیز در دست چند بانک خصوصی. این بانک‌های خصوصی با توجه به سودآوری خود تصمیم به خلق پول گرفته و از آن بهره‌مند می‌شوند. در حالی که این حق خلق پول در اختیار همه مردم به صورت یکسان قرار ندارد. همچنین اثرات خلق پول بر تورم و تغییر توزیع درآمد در اقتصاد نیز در بحث عدالت اقتصادی موضوعیت پیدا می‌کند. خلق پول منجر به تورم می‌شود. با توجه به اینکه بانک‌ها تصمیم به خلق پول گرفته‌اند، تسهیلات را به بخش‌های خاصی در اقتصاد تزریق کرده‌اند در حالی که تورم ناشی از این خلق پول به کل اقتصاد تحمیل می‌شود. لذا توزیع

www.SID.ir

Archive of SID

درآمد جامعه را به نفع تسهیلات‌گیرندگان و به ضرر کسانی که به تسهیلات دسترسی ندارند تغییر می‌دهد.

هدف ثبات اقتصادی نیز در این الگوی مطلوب به مراتب بهتر از نظام بانکی فعلی محقق می‌شود. در نظام بانکی متعارف تلفیق‌شده بیان شد که چون تصمیم خلق پول در دست بانک‌هاست، چرخه‌های رونق و رکود تعمیق می‌گردد. بانک‌ها زمانی که وضع اقتصاد خوب است و امکان بازپس‌دهی تسهیلات بیشتر شده اقدام به خلق پول بیشتر کرده و چرخه رونق را عمیق می‌کنند. در مقابل وقتی شرایط اقتصاد در رکود است، بازپس‌دهی تسهیلات کمتر شده و لذا بانک‌ها دست از خلق پول برمی‌دارند و این منجر به تعمیق چرخه رکود می‌شود. وقتی تصمیم خلق و هدم پول در دست بانک مرکزی است، این مشکل قابل حل است. بانک مرکزی نهادی منفعت‌طلب نیست بلکه به دنبال ثبات و رشد اقتصادی می‌باشد. با این فروض تعمیق چرخه‌های رونق و رکود که در نظام بانکی فعلی ایجاد می‌شود، در الگوی مطلوب جایگاهی ندارد. لذا این الگو با اهداف کلان نظام اقتصادی اسلام از قبیل ثبات و عدالت سازگاری بیشتری دارد. این تطابق و سازگاری بیشتر نتیجه می‌دهد که الگوی مطلوب از منظر بانکداری اسلامی تفکیک دو کارکرد به شکلی است که در ابتدای این بخش بیان شد.

فارغ از اهداف کلان نظام اقتصادی اسلام، این الگو به نسبت نظام بانکی متعارف تطابق بیشتری با ماهیت بانکداری اسلامی در اندیشه تعدادی از اقتصاددانان مسلمان دارد. محسن خان و میرآخور (۱۹۸۹) بانکداری اسلامی را مبتنی بر مشارکت دانسته و محسن خان (۱۹۸۶) بانکداری اسلامی را مشابه الگوهای جایگزین صددرصدی قلمداد کرده است. همچنین در مطالعات فراوانی (برای مثال موسویان و میثمی، ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶) صرفاً به کارکرد مدیریت سبد دارایی در نظام بانکی پرداخته شده است. با توجه به اینکه در این مطالعات به کارکرد خدمات پرداخت اشاره‌ای نشده است، گویی این کارکرد را موضوعاً خارج از بحث بانکداری اسلامی دانسته‌اند. لذا در الگوی مطلوب که بحث مدیریت سبد دارایی به دو صورت توسط بانک‌ها انجام شده و کارکرد ارائه خدمات پرداخت به بانک مرکزی محول می‌شود، تطابق بالایی با این تلقی از بانک به چشم می‌خورد.

علاوه بر مطالب بالا، در الگوی مطلوب بیان شده ایرادات وارده به نظام بانکی ذخیره جزئی از بین می‌روند. رفع مشکلات بی‌ثباتی و ناعدالتی در اهداف کلان نظام اقتصادی اسلام گذشت. بحران بانکی از بین می‌رود چراکه اولاً در قسمت بانک مرکزی دلیلی برای هجوم به دریافت سپرده نزد حاکمیت و تبدیل آن به اسکناس حاکمیت وجود ندارد. در قسمت سایر مؤسسات مالی نیز که بانک مشابه آنها فعالیت می‌کند، ورشکستگی مثل سایر مؤسسات وجود داشته اما این تبدیل به بحران نمی‌شود. چراکه در تأمین مالی مبتنی بر سهام، سهامداران مالک بوده و در سود و زیان شریک هستند. در تأمین مالی از طریق جذب سپرده نیز چون تعهدی به پرداخت عندالمطالبه وجود ندارد، از هجوم بانکی جلوگیری می‌شود. به دلیل عدم وجود بحران‌ها، دولت از طریق قرض‌دهنده نهایی دخالت نکرده و عدم کارایی گفته شده نیز بلاموضوع می‌گردد. مشکل ملاحظات اخلاقی نیز چون تعهدی به صورت ابتدایی وجود نداشته از بین خواهد رفت. مشکلات نقض توسعه پایدار، نقض دموکراسی و عدم اعمال حاکمیت دولت نیز با قرار گرفتن خلق پول در دست بانک مرکزی حل می‌گردد. لذا همه مشکلات وارده به نظام بانکی فعلی در این الگوی مطلوب از بین می‌رود. این خود دلیل دیگری برای متقن بودن الگوی مطلوب معرفی‌شده است.

اضافه بر مطالب بالا، در این نظام بانکی تفکیک‌شده، مهم‌ترین دغدغه مردم و جامعه در مورد شبهه ربوی بودن نظام بانکداری از بین می‌رود. چراکه در صورت وجود خلق پول به شیوه رایج، عقد وکالت در تجهیز منابع مخدوش است (کمیجانی و دیگران، ۱۳۹۷). در صورتی که خلق پول از نظام بانکی گرفته شود، این مشکل وجود ندارد. بانک تغییریافته همان‌طور که گذشت به دو صورت تأمین مالی از طریق سهام و تأمین مالی از طریق جذب سپرده بدون قید پرداخت عندالمطالبه به فعالیت خود ادامه می‌دهد. در تأمین مالی از طریق سهام که مشکل ربوی بودن وجود ندارد. تأمین مالی از طریق جذب سپرده با توجه به اینکه واقعاً بانک وکیل مردم در استفاده از سپرده‌ها می‌شود، شبهه ربا از بین خواهد رفت.

پس با توجه به اینکه الگوی ارائه شده مبنی بر تفکیک دو کارکرد مدیریت سبد دارایی و ارائه خدمات پرداخت، تمام

www.SID.ir

Archive of SID

مشکلات نظام بانکی فعلی را از بین می‌برد، با اهداف کلان نظام اقتصادی اسلام سازگاری بیشتری دارد، با ماهیت بانکداری اسلامی در اندیشه پژوهشگران تطابق بیشتری دارد، شبهه ربا را از نظام بانکی منتفی می‌کند و...، می‌تواند به‌عنوان الگوی مطلوب نظام بانکداری اسلامی تلقی گردد.

نقدی به پیشنهاد فوق وارد است. نقد این است که در پیشنهاد مزبور کل قدرت خلق پول در اختیار دولت و حاکمیت قرار می‌گیرد. این تجمع قدرت و انحصار خلق پول در دست حاکمیت و دولت موجب ایجاد رانت و فساد می‌گردد. لذا الگوی ذخیره جزئی که جلوی تجمع قدرت را می‌گیرد بر این پیشنهاد و پیشنهادات مشابه ترجیح دارد. با توجه به اینکه موضوع این نقد خارج از بحث این پژوهش می‌باشد، به‌طور خلاصه و اجمالی این نقد پاسخ داده می‌شود. این ایراد ریشه در اندیشه تجمیع قوا داشته که در مباحث مربوط به علم حقوق و علوم سیاسی سابقه‌ای دیرینه دارد. یکی از دلایلی که پژوهشگران که اندیشه تفکیک قوا را مطرح کرده‌اند، جلوگیری از فساد و رانت است (جوان‌آراسته، ۱۳۹۵). این فساد و رانت در بحث تجمیع قدرت خلق پول نیز وجود دارد. اما گفته شده است که اندیشه تفکیک قوا بر نگاه بدبینانه به قدرت و مضموم دانستن آن استوار است (کدخدایی و دیگران، ۱۳۹۱، ص۱۰۳). قدرت نقش ابزاری داشته که می‌تواند با توجه به هدف استفاده از آن مضموم یا ممدوح باشد (همان، ۱۰۵). لذا قدرت یکی از ابزارهای مهم حکومت‌های امروزی بوده و می‌توان از آن استفاده صحیح نمود. ممکن است در استفاده از این قدرت فساد و رانت ایجاد شود اما تفکیک و تقسیم این قدرت بین چند نفر راه‌حل مسئله نبوده بلکه پاک کردن صورت مسئله است. در اندیشه اسلامی شروطی از قبیل عدالت (کعبی و دیگران،۱۳۹۳) لازمه در دست‌گیری مناصب حکومتی است که جلوی این مشکلات را می‌گیرد (همان، ۱۰۵-۱۰۸).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این پژوهش به تلفیق دو کارکرد مدیریت سبد دارایی و ارائه خدمات پرداخت در نظام بانکی فعلی که مبتنی بر ذخیره جزئی است پرداخته شد. گفته شد که در این نظام بانکی دو کارکرد بالا به‌طور همزمان در حال ارائه است. این همزمانی دو کارکرد در پژوهش‌های انگلیسی و فارسی مورد توجه قرار نگرفته و از این جهت موجب بروز ابهامات شده است.

تلفیق دو کارکرد بیان شده مشکلاتی را بوجود می‌آورد. این مشکلات عبارتند از: ۱. بی‌ثباتی و تشدید نوسانات اقتصادی؛ ۲. بحران‌های بانکی و اقتصادی؛ ۳. اخلال در توزیع درآمد و بی‌عدالتی؛ ۴. افزایش مداخله دولت و عدم کارایی؛ ۵. عدم رعایت ملاحظات اخلاقی؛ ۶. اکل مال از طریق باطل؛ ۷. عدم امکان اعمال حاکمیت دولت؛ ۸. عدم رعایت قاعده احترام به مال مسلم و... .

از طرفی در نوشته‌های پژوهشگران، عدالت و ثبات اقتصادی از جمله اهداف کلان نظام اقتصادی اسلام شمرده شده‌اند. همچنین ماهیت بانکداری اسلامی را عده‌ای از پژوهشگران مبتنی بر مشارکت دانسته‌اند. از بررسی مطالعات حوزه بانکداری اسلامی نیز به نظر می‌سد که گستره وسیعی از پژوهشگران ماهیت بانکداری اسلامی را مدیریت سبد دارایی می‌دانند چراکه در مورد کارکرد ارائه خدمات پرداخت بحثی نکرده‌اند.

لذا به نظر می‌سد که چون عدالت و ثبات از جمله اهداف کلان نظام اقتصادی اسلام است و نظام بانکی تلفیق شده با این دو هدف در تضاد است (در قسمت مشکلات نظام بانکی فعلی توضیح داده شد)، لذا الگوی مطلوب بانکداری اسلامی تفکیک دو کارکرد بیان شده می‌باشد. چراکه صرفاً از طریق تفکیک این دو کارکرد می‌توان این مشکلات را حل نمود. همچنین تفکیک دو کارکرد بیان شده، به دیدگاه پژوهشگران اقتصاد اسلامی که ماهیت بانکداری اسلامی را مشارکتی و یا به‌طور کلی مدیریت سبد دارایی دانسته‌اند، قرابت بیشتری داشته و این خود تأییدی بر ادعای این پژوهش در مورد الگوی مطلوب تفکیک دو کارکرد در بانکداری اسلامی است. نهایتاً بانکداری تفکیک شده سایر مشکلات نظام بانکی فعلی را که در بالا بیان شد و همچنین شبهه ربوی بودن نظام بانکی را نیز حل می‌کند. بر این اساس الگوی مطلوب نظام بانکی از منظر اسلامی، تفکیک دو کارکرد می‌باشد.

www.SID.ir

Archive of SID

منابع

۱. ایزدخواستی، حجت؛ «تحلیل تأثیر خلق اعتبار در نظام بانکداری ذخیره جزئی بر متغیرهای کلان اقتصادی در ایران»، جستارهای اقتصادی، بهار و تابستان ۱۳۹۶، شماره ۲۷، ص۹-۳۴.

۲. باستانی‌فر، ایمان؛ محمدرضا حیدری و وحید مقدم، «الگوی خلق اعتبار در بانکداری اسلامی تأثر از اندیشه شهید صدر﵀»، اقتصاد اسلامی، بهار ۱۳۹۵، شماره ۶۱، ص۱۳۷-۱۵۶.

۳. توتونچیان، ایرج (۱۳۷۹)، پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه داری، تهران: توانگران.

۴. توسلی، محمداسماعیل و وهاب قلیچ، «مالیات تورمی در ترازوی عدالت»، پژوهشکده پولی و بانکی، مقاله کاری شماره MBRI9217، آذر ۱۳۹۲.

۵. جوان‌آراسته، حسین (۱۳۹۵)، «تفکیک قوا در نظام سیاسی اسلام و جمهوری اسلامی ایران»، فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال چهل و نهم، شمارهٔ یکم، بهار و تابستان ۱۳۹۵، ص۵۱-۶۷.

۶. حسینی دولت‌آبادی، سید مهدی (۱۳۹۴)، ترتیبات خلق پول از منظر اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی با تأکید بر نرخ ذخیره قانونی، رساله دکتری.

۷. ریووار، ژان (۱۳۶۹)، تاریخ بانک و بانکداری، ترجمه: شیرین هشترودی، تهران: اطلاعات.

۸. سبحانی، حسن و حسین درودیان، «ارزیابی توجیه‌پذیری خلق پول به وسیله سیستم بانکی در نظام بانکداری اسلامی»، اقتصاد اسلامی، زمستان ۱۳۹۵، شماره ۶۴، ص۳۱-۵۴.

۹. صدر، محمدباقر (۱۳۹۳)، اقتصاد ما، ترجمه: سید محمدمهدی برهانی، قم: انتشارات دارالصدر.

۱۰. صمصامی، حسین و فرشته کیانپور، «بررسی امکان خلق پول توسط نظام بانکی در نظام مالی اسلامی»، معرفت اقتصاد اسلامی، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، شماره ۱۳، ص۱۰۹-۱۳۰.

۱۱. کدخدایی، عباسعلی و جواهری طهرانی، محمد (۱۳۹۱)، «تفکیک قوا؛ رویای تقدیس شده»، حکومت اسلامی، ش ۶۳، بهار، ص۹۹-۱۲۲.

۱۲. کعبی، عباس و محمد نبی الهام، «شرایط حاکم اسلامی از منظر فریقین»، مطالعات فقه امامیه، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، شماره ۳، ص۴۷-۶۴.

۱۳. کمیجانی، اکبر، حمید ابریشمی و سیدعلی روحانی، «ماهیت بانک و فرآیند خلق پول بانکی؛ نقد دیدگاه‌های رایج و دلالت ها»، جستارهای اقتصادی ایران، شماره ۲۹، بهار و تابستان ۱۳۹۷، ص۹-۳۸.

۱۴. مجاهدی موخر، محمد مهدی؛ رحیم دلالی اصفهانی، سعید صمدی و رسول بخشی دستجردی، «مدلسازی الگوی رفتار بین نسلی از عملکرد بانکداری ذخیره جزئی با تکیه بر رهیافت موریس اله»، تحقیقات مدل سازی اقتصادی، پاییز ۱۳۹۰، شماره ۵، ص۴۷تا۷۴.

۱۵. موسویان، سیدعباس و مهدی الهی، «امکان سنجی فقهی تشکیل بازار بین بانکی در بانکداری اسلامی»، اقتصاد اسلامی، تابستان ۱۳۸۹، شماره ۳۸، ص۸۹-۱۱۸.

۱۶. موسویان، سیدعباس و حسین میثمی، (۱۳۹۵)، بانکداری اسلامی، مبانی نظری-تجارب عملی، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

۱۷. موسویان، سیدعباس و حسین میثمی (۱۳۹۶)، بانکداری اسلامی، بانکداری مرکزی اسلامی و سیاست‌های پولی-ارزی، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

18. Allen, W. R. (1993). Irving Fisher and the 100 percent reserve proposal. *Journal of Law and Economics*, 703-717.

19. Berger, A. N., Molyneux, P., & Wilson, J. O. (Eds.). (2012). *The Oxford handbook of banking*. OUP Oxford.

www.SID.ir

Archive of SID

20. Dalziel, P. (2006). *Money, Credit and Price Stability*, New York: Routledge.
21. Davis, G. (2002), *A History of Money, from Ancient Times to the Present Day*, Cardiff: University of Wales Press.
22. de Soto, J. H. (2012), *Money, Bank Credit, and Economic Cycles*, Alabama: Ludwig von Mises Institute.
23. Demeulemeester Samuel(2018), The 100% money proposal and its implications for banking: The Currie Fisher approach versus the Chicago Plan approach, The European Journal of the History of Economic Thought, 25:2, 357–387, DOI: 10. 1080/09672567. 2018.1435706.
24. Edwards, Mike, (2013), Why Our Monetary System Is Broken and How the Scottish Independence Referendum Creates an Opportunity to Fix It for Scotl Retrieved from: http://www.cybermanual.com/why–our–monetary–system–isbroken–and–how–the–scottish. html.
25. Fisher, I. (1936, April). 100% money and the public debt, In *Economic Forum, Spring Number* (pp. 406–420).
26. Friedman, M. (۱۹۹۲), *A Program for Monetary Stability*, New York: Fordham University Press.
27. Goodhart C. (۱۹۸۹), *Money, information and uncertainty*, London: Macmillan.
28. Hassan, K., & Lewis, M. (Eds.). (2009). *Handbook of Islamic banking*. Edward Elgar Publishing.
29. Hayek, Friedrich (1937): *Monetary Nationalism and International Stability*. London: Longman.
30. Hülsmann, Jörg Guido; The Ethics of Money Production; Ludwig von Mises Institute, 2008.
31. Jackson, A. & Dyson, B. (2012), *Modernizing Money: Why our monetary system is broken and how it can be fixed*, London: Positive Money.
32. Khan, Mohsin & Mirakhor, Abbas (1989): "The Financial System and Monetary Policy in an Islamic Economy", Islamic Econ., Vol. 1, pp. 39–57 (1409 A.H./1989 A.D.).
33. Khan, Mohsin (1986): "Islamic Interest Free Banking", *IMF Staff Papers* 33 (March), 1–27.
34. Krainer, Robert E., Economic Stability under Alternative Banking Systems: Theory & Polic Journal of Financial Stability http://dx.doi.org/10.1016/j.jfs.2017.05.005.
35. Lainà Patrizio (2015), Proposals for Full-Reserve Banking: A Historical Survey from David Ricardo to Martin Wolf, Economic Thought 4.2: 1–19, 2015.
36. McLeay, M., Radia, A., & Thomas, R. (2014), Money creation in the modern economy. *Bank of England Quarterly Bulletin*, Q1.
37. Mishkin, F. S., & Serletis, A. (2016). The economics of money, banking, and financial markets (sixth Canadian edition).
38. Moore, B. J. (1983), Unpacking the post Keynesian black box: bank lending and the money supply, *Journal of Post keynesian economics*, 537–556.
39. Musgrave, R. S. (2014). The Solution is Full Reserve/100% Reserve Banking, unpublished paper.
40. Musgrave, R. S. (2018). A new justification for full reserve banking?, unpublished paper.
41. Phillips, R. J. (1992), Credit Markets and Narrow Banking, *the Jerome Levy Economics Institute Working Paper*, No. 77, (Annandale–on–Hudson: The Jerome Levy Economics Institute of Bard College).
42. Ricardo, David (1951): *The Works and Correspondence of David Ricardo. Volume4: Pamphlets and Papers 1815–1823*. Cambridge: Cambridge University Press.
43. Ryan–Collins, Josh, Greenham, Tony, Werner, Richard & Jackson, Andrew, 2011, *Where does money come from? A guide to the UK monetary and banking system*, London, New Economics Foundation.
44. Simons, Henry (1948): *Economic Policy for a Free Society*. Chicago: University of Chicago Press.

www.SID.ir

Archive of SID

45. Spong, Kenneth, 1993, "Narrow Banks: An Alternative Approach to Banking Reform", *the jermoe levy economics in istitute Working Paper*, N. 90.
46. Talavera, O., Tsapin, A. and Zholud. (2006), Macroeconomic Uncertainty and Bank Lending: The Case of Ukraine. German Institute for Studienzentrum Gerzensee.
47. Tobin, J., (1985), Financial Innovation and Deregulation in Perspective, *Bank of Japan Monetary and Economic Studies*, Vol. 3, No.2: 19–29.
48. Werner, R. A. (2014), Can banks individually create money out of nothing?—The theories and the empirical evidence, *International Review of Financial Analysis*, *36*, 1–19.

www.SID.ir